

دایم هوس سوختن ما میکند
می آمد دانه دور تماشا میکند



دستاوردهای مشروطه خواهی در ایران

متن زیر برگرفته از یکی از درس گفتارهایی است که هدی صابر در ارتباط با فراز مبارزاتی مشروطه در ۲۶ تیرماه ۱۳۸۶، در زیر سلسله نشست‌های «هشت فراز، هزار نیاز» که در حسینیه ارشاد برگزار می‌شد، ارائه کرده است. در این سلسله نشست‌ها هشت فراز مبارزاتی تاریخ معاصر ایران از جنبش تنباکو تا جنبش اصلاحات در محورهای موضوعی متعدد مورد بررسی قرار می‌گرفت که به مناسبت سالگرد صدور فرمان مشروطیت، محور دستاوردهای انقلاب مشروطه تقدیم می‌شود:

هدی صابر



دستاوردهای فکری

انباشت ایده و اندیشه: اولین دستاورد این است که اولین دور انباشت در ایران شروع می‌شود. پیش از آن انباشت به این مفهوم که همه‌ی تولید کنندگان در پُر کردن سیلوی تاریخی فعال شوند، مشاهده نشده بود. قبل از جنبش تنباکو سلسله تلاش‌های پراکنده‌ی فکری صورت گرفت، اما به انباشتی در انبانی منجر نشد. اما در دوران مشروطه سه مرحله‌ی

دستاوردهای مشروطه را در پنج حوزه مرور می‌کنیم؛ فکری - ایدئولوژیک، استراتژیک - تاریخی، اجتماعی، سیاسی و تشکیلاتی. همان‌طور که نمایان است، سمت راست دستاوردهای فکری است و سمت چپ دستاوردهای ایدئولوژیک. تا حد امکان سعی شده دستاوردهای فکری و ایدئولوژیک از هم متمایز باشند.

(جدول یک)

دستاوردهای ایدئولوژیک	دستاوردهای فکری
مذهب؛ همچنان انگیزاننده	انباشت ایده - اندیشه
مواجهه تاریخی	شکل بستن کریستال اندیشه نو
مشروطه - مشروعه	آغاز کتابت در دوران نو و عبور از جامعه شفاهی
ادامه برد فتوا	نشر مبانی، فرصت توضیح
ادبیات نفی خرافه	ژورنال تفکر
فرو فتادن «ظل‌اللهی»	مفهوم‌سازی - فرهنگ‌سازی
	ادبیات پشت جبهه
	ادبیات طبقاتی
	ادبیات کوچه - برزن
	تبادل اندیشه - ایده با جهان
	بنیه فکری مستحکم‌تر از فراز قبلی
	حرکت مبتنی بر ایده نخستین

از این جهت
می‌گوییم فتوا
دستاورد است که در
جامعه‌ای که ادبیات
شفاهی مستقر است
و رسانه‌ای موجود
نیست، فتوای ضد
ظلم بسیار کاراست

عقلی و دلی که شاخص آن سید محمد طباطبایی و مرحوم حاج شیخ‌هادی نجم‌آبادی بودند، مجموعاً بر گره‌های ۸-۷ گانه‌ی ژورنال فکری ایران را فراهم کردند. یعنی اگر کسی از بیرون به ایران نگاه می‌کرد، با توجه به آثار مکتوب و شفاهی، ژورنال تفکری را در ایران برای اول بار می‌توانست حس کند.

مفهوم‌سازی - فرهنگ‌سازی: در دل این اتفاقات (انباشت ایده و اندیشه، شکل بستن کریستال، آغاز کتابت، نشر مبانی و تشکیل آلبوم فکری) طبیعتاً اولین تلاش‌ها برای مفهوم‌سازی و فرهنگ‌سازی در ایران شکل گرفت. مجموعه‌ای از واژگان نو به ادبیات سنتی ایران وارد شد، بخشی ترجمه‌ای و بخشی هم خلق‌الساعه‌ی ایرانی در دوران مشروطه بود؛ ملت، حقوق، مشروط، جمهور، آحاد، پارلمنت، حزب و... یک لغت معنی‌جدید فراروی ایرانیان قرار گرفت که اول روشنفکری بود و بعد آرام‌آرام تا حد امکان تبدیل به یک لغت معنی ساده فهم مردمی شد و مفهوم‌سازی و فرهنگ‌سازی صورت گرفت.

ادبیات پشت جبهه: در این زنجیره که تعقیب می‌کنیم برای اول بار در ایران، ادبیات پشت جبهه نمایان شد. «ادبیات پشت جبهه» اصطلاحی است که در دهه‌ی پنجاه باب شد. مبارزه‌ی چریکی که در ایران راه افتاد، بخشی از قلم‌زنانی که داستان می‌نوشتند یا رمان‌هایی نزدیک به واقع‌امریا یا کلام آهنگین داشتند و شعر می‌سرودند و سروده منتشر می‌کردند، ادبیات پشت جبهه‌ی مبارزه

سنت نشده بود، مکاتبه و نوشتار در ایران تبدیل به یک سنت نشد، اما از سال‌های ماقبل از مشروطه و بخصوص در آستان و درون مشروطه حتی در دوران استبداد صغیر و پس از آن این سنت‌ها در ایران باب شد. یعنی همه کس نوشت و ثبت و منتشر کرد. پیش‌تر دیدیم که حد فاصل دهه‌ی قبل از مشروطه تا دهه‌ی بعد از آن حدود ۸۰ ساله نوشته شد که بیشترشان رساله‌های فکری بود. رساله‌ها نوشته شدند، مکتوبات، کتاب، اعلامیه، روزنامه و... در مجموع دوران کتابت در ایران رقم خورد و جامعه‌ی ایران آرام آرام، از مرحله‌ی شفاهی عبور کرد. پیش از آن افکار به صورت شفاهی رد و بدل شد. اخبار، اخبار شفاهی، قهوه‌خانه‌ای، کوچه بازارها و راسته میدان‌ها و میدان‌های مرکزی شهر و روستا بود. اما از این به بعد ایران ماه‌ها در سلسله‌ی کتابت عمومی در جهان به سلسله‌ی مکتوب پیوست.

نشر مبانی و فرصت توضیح: وجه بعدی نشر مبانی و فرصت توضیح پیدا شد. تا قبل از مشروطه کمتر فرصت نشر مبانی در ایران شده بود، طلایه‌داران مبانی خودشان را انتشار دادند و فرصت توضیح پیدا شد که یک وجه شفاهی و یک وجه مکتوب بود.

ژورنال تفکر: دستاورد بعد این بود که یک ژورنالی از اندیشه و فکر در ایران باز شد. اندیشه‌ی لیبرال دموکراسی، اندیشه‌ی سوسیال دموکراسی، اندیشه‌ی مشروطه‌ی مبتنی بر مبانی فلسفه اروپایی، اندیشه‌ی مشروعه و فیما بین آنها تلقی‌هایی از مشروطه‌خواهی و تحول‌طلبی

انباشت صورت گرفت.

شکل بستن کریستال اندیشه نو: دستاورد بعدی این بود که بالاخره کریستال اندیشه‌ی نو در ایران شکل بست. قبلاً رد پاها و نقطه چین‌هایی از کار فکری صورت گرفته بود اما می‌توان گفت که اولین نقطه‌ی مرکزی کریستال اندیشه نوین در ایران به سنه ماقبل مشروطه می‌شود.

[پیش‌تر] با هم مرور کرده‌ایم که قبل از مشروطه و اندکی پیش از آن که ملک‌خان و آخوندف محصولات فکری خود را منتشر کنند و بروز دهند، رگه‌ای از اندیشه‌ی صدرایی یا اندیشه‌ی جوهر و عرض ملاصدرا در ایران با مساعی ملاحادی سبزواری قابل مشاهده بود. آن تفکر ماقبل از نو بود اما کریستال تفکر نو که با خود مظاهر و عناصری از فکر مدرنیته را که ۱۵۰ سالگی از عمرش در اروپا می‌گذشت داشت، اول بار پیش از مشروطه بسته شد.

در کنار انباشتی که شکل گرفت، نقطه‌ی مرکزی کریستالی هم، قبل از مشروطه بسته شد. این نقطه‌ی مرکزی مقداری نشو و نما کرد [تا آنجا که] پس از مشروطه می‌بینیم یک کریستال کامل که می‌توان به الماس یا قالب یخ یا نمک تشبیه‌اش کرد، شکل گرفت. بالاخره نقطه‌ی مرکزی فکر مشروطه‌خواهی در ایران خود را در قالب کریستال منجمد کرد.

آغاز کتابت در دوران نو و عبور از جامعه شفاهی: وجه بعدی که بسیار هم مهم بود، آغاز کتابت در دوران نو و عبور از جامعه شفاهی است. قبل از مشروطه چون چاپ در ایران تبدیل به یک

در مشروطه حس استقلال به مردم دست داد و با واژه‌های جدید که در فرهنگ دوره باب شد یک دوپینگ روحی - تاریخی پیدا کردند و حس کردند به لحاظ فردی صاحب کرامت هستند و به لحاظ اجتماعی هم از رعیت به مفهوم هویتی ملت و جمهور نقل مکان کردند

مسلحانه در ایران رارقم زدند. مثلاً ادبیات دهه‌ی ۵۰ شاملو، ادبیات دهه‌ی ۴۰ صمد بهرنگی، بخشی از ادبیات موسوی گرمارودی و آقای شفیع کدکنی و شاعران نوپرداز جدید ادبیات پشت جبهه دهه‌ی پنجاه در ایران را تشکیل دادند. در مشروطه هم ادبیات پشت جبهه برای اول بار در ایران شکل گرفت؛ ادبیاتی که پشتیبان و حامی مبارزه‌ی مشروطه خواهان بود. بخشی از این ادبیات در دوران ناصرالدین شاه‌ی از استعاره استفاده می‌کرد، هر چه جلوتر آمدیم از استعاره دور شد. ادبیات استعاره متعلق به دوران تنگنا و اختناق است و کمتر توده فهم است. اما به نسبتی که فضا باز شد، ادبیات از استعاره به تمثیل نقل مکان کرد و در دوره‌ی مظفرالدین شاه و دوره‌ی آزادی مشروطه، ادبیات توصیف آمد. ادبیات توصیف آن است که بی‌بدره و بی‌رودر بایستی شرایط جامعه را ترسیم می‌کند و چرک‌های اجتماعی از نوک قلم تراوش می‌کند. این اتفاق افتاد و نهایتاً به ادبیات پشت جبهه مشروطه، ادبیات منظر گاهی هم اضافه شد. ادبیات منظر گاهی ادبیاتی است که چشم‌انداز پرشور ارائه می‌کند و افق رو به آینده می‌گشاید. شعرای ایران بویژه فرحی، عارف و ملک الشعرا خیلی متین و مسئولانه از عهده‌ی این کار برآمدند. لذا این

ادبیات پشت جبهه در نهایت از ادبیات استعاره و ادبیات کنایه در دوران ناصرالدین شاه‌ی به ادبیات علنی منظر گاهی در دوران پس از محمد علی شاه سیر کرد.

ادبیات طبقاتی: اول بار در ایران ادبیاتی در حمایت از طبقه‌ی کارگر و طبقه‌ی دهقان دور دست تر از مشروطه ادبیات پردازی شد. جامعه‌ی ایران جامعه صنعتی نبود که طبقه‌ی کارگر داشته باشد. تعداد کمی کارگر در صنایع مصرفی نو تأسیس مشغول به فعالیت بودند. تعداد عظیم و انبوه و توده‌واری از کارگران بودند که برای جستن کار به قفقاز، خوزستان و بادکوبه (صنایع نفت آن زمان برعکس الان که سرمایه‌بر است، کاربر بود) به صفحات شمالی نقل مکان کردند و ادبیات مشروطه بیشتر معطوف به کارگران مهاجر بود. ادبیات طبقاتی باب شد. مستقل از ادبیات کارگری و دهقانی بحث طبقه و طبقه‌ی پیشرو پیش آمد. پیداشدن بحث طبقه و طبقه‌ی پیشرو، جایگاه طبقاتی، نقش طبقه در مبارزه‌ی اجتماعی و بعد هم حمایت از پرولتاریای اقلیت دوره که کارگران و فرودستان شهری بودند و شعاع پیدا کردن این مبارزه‌ی طبقاتی در روستاها به خصوص تبریز و گیلان، ادبیات طبقاتی دوران مشروطه کامل شد. قبل از آن ایران صاحب ادبیات طبقاتی نبود.

ادبیات کوچک - بوزن: وجه دیگر از دستاوردهای فکری، ادبیات کوچک بوزن است. زن‌ها و مردها و شاگرد مدرسه‌ها خلق الساعه شعار و شعر می‌ساختند که مجموعه اشعار و شعارهایشان در مجموعه منتشره‌هایی که در باره‌ی مشروطه در دسترس قرار دارد، پراکنده است.

تبادل اندیشه - ایده با جهان: اتفاق مهم دیگری که افتاد، ایران به طور جدی وارد تبادل اندیشه و ایده با جهان شد. فکر لیبرال دموکراسی، فکر سوسیال دموکراسی، بحث مشروطه، بحث جمهوریّت و... از آن سوی آب‌ها و مرزها عبور کرد و آرام آرام به ایران رسید و منورالفکران ایرانی چه آنها که در تبعید اروپا و عثمانی بودند و چه آنها که آزاد به اروپا و عثمانی سفر کرده بودند، باب تبادل اندیشه و فکر نسبتاً ایرانی را با اندیشه و فکر اروپایی باز کردند.

بنیه فکری مستحکم تر از قبل: بنیه فکری مشروطه بسیار مستحکم تر از فراز تنباکو بود. تنباکو یک جنبش صنفی بود و خیلی رگ و ریشه‌ی فکری نداشت. قرارداد بی‌بسته شده بود و مجموعه‌ی رهبران اعم از تجار و روحانیت

در صحنه، در پی لغو قرارداد بودند و خیلی وجه تنوریک مطرح نبود، یک تکانه‌ی اجتماعی بود. اما با توجه به مجموعه تکاپوهای فکری، اندیشه‌ای و ایده‌پردازانه‌ی قبل از مشروطه، یک بنیه فکری مستحکم تر از قبل شکل گرفت. درست است که این انباشت و بنیه‌ی فکری روزنه‌ها و منفذهای متعدد خود را داشت اما نسبت ۱۲ سال قبل از آن (جنبش تنباکو) بسیار شکل گرفته‌تر، منسجم‌تر و صاحب یک منطق و وحدت درونی بود.

حرکت مبتنی بر ایده‌ی نخستین: آخرین دستاورد فکری این بود که مشروطه بر یک ایده‌ی نخستین استوار بود. اینکه این ایده‌ی نخستین خیلی آموزش داده نشد و قوام زیادی پیدا نکرد رادر ناکامی‌ها نظاره خواهیم کرد اما جنبش مشروطه خالی از پاراگراف اولیه یا ایده اولیه‌ای که حرکت بر آن سوار شود، نبود.

دستاوردهای ایدئولوژیک

مذهب؛ همچنان انگیزاننده: در تنباکو یکی از دستاوردها این بود که مذهب دارای عنصر انگیزاننده بود. این عنصر انگیزاننده در انقلاب مشروطه بیش از قبل حفظ شد و در رحم مشروطه، چنین مذهبی بسیار سنگین تر از جنبش تنباکو وجود داشت و طیف‌های مختلف را بر می‌انگیخت. [غیر از معدود روشنفکران عبور کرده از مذهب یا کسانی که مذهب را در حد پوشش و کاور برای جامعه ضروری می‌دانستند، بقیه عموماً با انگیزه‌های مذهبی و بعد با انگیزه‌های ملی و عدالت خواهانه به صحنه آمدند.

مواجهه تاریخی مشروطه - مشروطه: می‌توان گفت دو مین دستاورد، مهم ترین دستاورد در حوزه‌ی ایدئولوژیک است؛ باب در گاه و آورد گاه تاریخی مشروطه - مشروطه باز شد. یعنی اتفاقی که در [زیر تیر] نشر مبانی و فرصت توضیح به آن اشاره کردیم، یکی از مصادیق بارز تاریخی اش اینجا است.

مجموعه‌ی روحانیون مشروطه خواه مثل نجف و مرحوم نائینی، تا حدودی سید محمد طباطبایی (در سطح فرهنگ و نه در سطح ایدئولوژی و تفقه) و شیخ‌هادی نجم‌آبادی (در سطح فرهنگ، جهان بینی و ایدئولوژی، تفقه) از سوی مشروطه طلب‌ها دست‌اندر کار این آورد گاه بودند.

مشروطه طلب‌ها هم مجموعه‌ی ادیبانشان از ابتدای شکل‌گیری سلطنت قاجار پدیدار شد و در رساله‌های کاشف‌الغطاء و خیر آبادی و... بعدتر در رساله‌های موسوی و ادبیات شیخ

[فضل الله] خودش رانشان داد.

مجموعه‌ها و طرف این آورد گناه و کشتی تاریخی هر چه در بضاعت داشتند منتشر کردند؛ هم در حوزه شفاهی و هم مکتوب. این اتفاق مهمی بود که در مشروطه افتاد.

ادامه برد فتوا: وجه بعدی این بود که فتوا مثل تنباکو کماکان بُرد داشت. در تنباکو آن فتوای معروف چون نگین انگشتری تنباکو بود، بیشتر در ذهن ها حک می شود اما در مشروطه چون اتفاقات زیاد بود کمتر به آن توجه می شود. دو فتوای کلیدی صادر شد؛ یکی فتوای نجف علیه محمد علی شاه و دیگری فتوای مثلث نجف علیه شیخ فضل الله نوری که بسیار پر بُرد بود.

فتوا و ابلاغیه‌های مذهبی در آن دوره شعاع بُرد بسیاری داشت و از توده تا محمد علی شاه را در بر می گرفت. محمد علی شاه به رغم ستمگری و ترک تازی‌های ضد مشروطه، به نوعی تحت تأثیر مثلث نجف بود و روی آن حساب ویژه‌ای باز می کرد و مجبور به تمکین بود. ستارخان تصریح می کند اگر فتوای نجف نبود ستاری به وجود نمی آمد، این مهم است. از محمد علی شاه و ستارخان و بعضی روشنفکران و مردم در شعاع فتوا پُر بودند.

از این جهت می گوئیم فتوا دستاورد است که در جامعه‌ای که ادبیات شفاهی مستقر است و رسانه‌ای موجود نیست، فتوای ضد ظلم بسیار کاراست. فتوای ضد استعمار، ضد استثمار بسیار کاراست از نوع کارایی که در تنباکو دیدیم.

ادبیات نفی خرافه: اتفاق بعدی که دستاورد ایدئولوژیک است این بود که برای اول بار در ایران شاهد انتشار ادبیات نفی خرافه بودیم. بخشی از باب ادبیات نفی خرافه را ملک‌خان و بخش بسیار افراطی و بی محابای آن را آخوندف باز کرد و بخش مسئولانه و ایرانیزه‌ی آن را طالبوف مطرح کرد که روی نوسازی و رنسانس در تفقه تأکید می کرد. بالاخره بخشی از خرافه‌های دست و پاگیر، مورد نقد و تعریض روشنفکران دوره و حتی روحانیون دوره مثل مرحوم کاشانی و حاج شیخ هادی نجم آبادی قرار گرفت. مجموعه‌ی ادبی نفی خرافه هم در گنجینه و بایگانی تاریخی این دوره قرار گرفت.

فروفتادن «ظل‌اللهی»: وجه ایدئولوژیک مهم فروفتادن تلفقی ظل‌اللهی شاه بود. مردم در دوران مشروطه در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و بخصوص دوران ستمگری همراه گمنیسیم محمد علی شاه آرام آرام، ظل‌الله بودن شاه از چشم و ذهنشان افتاد و تقدس خود

را از دست داد.

دستاوردهای استراتژیک تاریخی

دستاوردهای استراتژیک و تاریخی در هم مدغم است.

پایان قداست سلطنت: مهمترین وجه آن پایان قداست سلطنت بود، سلطنت دیگر زمینی شد. از وقتی که مشروط و زمینی شد، قداست گذشته‌ی خودش را از دست داد و عملاً تفکر سلطنت «من جانب الله» ابطال تاریخی شد. مثل اتفاقی که با تئوری کوپرنیک بر کیهان ارتجاعی بطلمیوس وارد شد و دیدند که زمین ثابت نیست و گردان است، در اینجا هم دیدند که سلطنت ثابت نیست و گردان است. می تواند عوض شود، مشروط شود و از مطلقیت به در آید. بگذریم که در دوره‌ی رضاخان سلطنت به نوعی دیگر قداست پیدا کرد، اما قداست سنتی سلطنت در مشروطه به پایان خودش رسید.

مشروطیت، بدیل مطلقیت: دستاورد دوم این بود که مشروطیت بدیل مطلقیت شد.

پس راند استبداد: اگر در تنباکو تلنگری به حاکمیت استبداد و ترکی بر دیوار سترگ استبداد وارد شد، در اینجا استبداد مجبور شد چندین قدم استراتژیک عقب برود تا حدی که فرمان اولیه‌ی مشروطه را پذیرفت. به فاصله‌ی یک روز مظفرالدین شاه اصلاح فرمان اولیه را پذیرفت و به فاصله‌ی دوسه ماه پس از فوت او، محمد علی شاه مجبور شد که واژه‌ی دولت مشروطه را استفاده کند و بپذیرد که کابینه، تحت نظارت و پاسخگویی پارلمان نو تأسیس است و... این است که استبداد قدم به قدم، عقب رفت تا نهایتاً استبداد محمد علی شاهی هم در فیزیک و هم در محتوا سراسر نگون شد.

غلبه نوبر کهنه: وجه بعدی که پارادایم دوره بود، غلبه‌ی نوبر کهنه بود. مجموعه‌ی نیروهای نوسوا و تحول طلب، بر مجموعه‌ی نیروهای کهنه اندیش غلبه پیدا کردند. درست است که بعداً مشروطه شکست خورد و آرمان هایش زیر چکمه‌های رضا شاه له شد و یک نوبت ارتجاعی بر نوسواهان مشروطه غلبه نهایی پیدا کرد، اما در دوران مشروطه غلبه‌ی نوبر کهنه کاملاً اتفاق افتاد.

زیست بالاستقلال، بدیل زیست موکول: وجه بعدی آن است که توده‌های ایران حس کردند که از زیست موکول خارج شدند و به زیست بالاستقلال رسیدند. قبلاً رعیتی بودند تحت تملیک ارباب قدرت؛ اعم از ارباب قدرت سیاسی که شاهان بودند و ارباب قدرت اقتصادی



مظفرالدین شاه قاجار

که خوانین نظام ملوک الطوائفی و نظام اقتصادی - اجتماعی ایران بود. در مشروطه حس استقلال به مردم دست داد و با واژه‌های جدید که در فرهنگ دوره باب شد یک دوپینگ روحی - تاریخی پیدا کردند و حس کردند به لحاظ فردی صاحب کرامت هستند و به لحاظ اجتماعی هم از رعیت به مفهوم هویتی ملت و جمهور نقل مکان کردند.

خود یابی ملی، حس ایرانی: طبیعتاً دل این اتفاق، اتفاق دیگری متبلور شد. جامعه‌ی ایران حس خود یابی ملی و حس ایرانی بودن کرد. پیش تر از «ملت ایران» و «مردم ایران» خبری نبود و ایران بیشتر وجه جغرافیایی داشت ولی اینجا وجه یک موجود زنده‌ی کل راهم پیدا کرد.

ایران؛ جزئی از جهان: در اینجا دیگر ایران جزئی از جهان هم بود. ایران در حد خودش با کاروان ترقی و پیشرفت همسفر شد و می توان باب گفت اولین طلاهای جهانی شدن به ایران باز شد. از ادبیات ضد استبدادی جهان و نقل مکان آن به ایران صحبت کردیم. مدتی پس از اینکه ویتوریو آلفیری ایتالیایی کتاب تنوریک خود را در نفی استبداد به نام «در جباری» منتشر کرد، به فکر کو اکیبی در مصر منتقل شد. ترشح این انتقال کتاب «طباع الاستبداد» یا «سرشت‌های

اگر در تنباکو پیوند روحانیت و مردم تبدیل به یک پیوند تشکیلاتی شد، در مشروطه برای اول بار بین مردم و روشنفکران پیوند تاریخی برقرار می‌شود

دیکتاتوری» شد و در ذهن مرحوم میرزای نائینی ترشح دوباره شد و کتاب «تنزیه الامه و تنبیه المله» در آمد. پس ایران هم به کاروان پیشرفت و ترقی [پیوست و هم به زنجیره‌ی انتقالی ادبیات ضد استبدادی پیوند خورد و هم به مشروطه‌ی جهانی که دولت و ملت میثاقی بینشان برقرار است و پارلمنت قوه‌ای است ناظر بر قوه قهریه. این اتفاق‌ها افتاد و ایران که قبلاً جزیره‌ای در جهان بود، در عمل جزئی از جهان شد.

پیگیری استراتژی یک دو مرحله‌ای: دستاورد استراتژی یک بعدی این بود که مردم و نیروها در دو مرحله پیگیری استراتژی یک داشتند؛ مرحله‌ی اول که در پی تحقق آرمان مشروطه بودند و مرحله‌ی دوم که در پی بازاحیا و نجات مشروطه از تهاجم پلنگ آسای محمدعلی شاه و پیرامون او بودند.

استبدادشناسی لمسی [و] استعمارشناسی عینی: دستاورد استراتژی یک و تاریخی بعدی برپایی دو کلاس تجربی بود؛ استبدادشناسی لمسی و استعمارشناسی عینی.

پیوند توده-روشنفکر: یک اتفاق مهم دیگر هم افتاد. اگر در تنباکو پیوند روحانیت و مردم تبدیل به یک پیوند تشکیلاتی شد، در مشروطه

برای اول بار بین مردم و روشنفکران پیوند تاریخی برقرار می‌شود. اول بار در تاریخ است که توده باروشنفکر پیوند می‌خورد؛ پیوند در فکر، انگاره، تشکیلات و پیشبرد.

نظام نوین آموزشی: اتفاق مهم بعدی این است که ایران صاحب یک نظام نوین آموزشی می‌شود. از ادبیات عرب و اسلوب آموزش ادبیات عرب و تکنیک تجوید (که در اصطلاح آخوندها جویدن حروف و کلمات است) به یک تجوید ایرانی رسید. نظام آموزشی از تجوید عرب فاصله گرفت و به تجوید الفبای ایرانی و نظام آموزشی‌ای که مرحوم رشده پایه گذارش بود، نائل آمد.

دستاوردهای اجتماعی

میل مشارکت افزون تر از قبل: در تنباکو اولین میل به مشارکت، در جامعه‌ی ایران دیده شد. در تنباکو جامعه اول بار به صحنه آمد و اعلام حضور کرد ولی در این جا میل به مشارکت بسیار جدی تر و پربار تر بود.

حضور طیف‌های متنوع تر و پرتراکم تر از پیش: طیف‌های متنوع تر و پرتراکم تری از زمان تنباکو در صحنه حضور پیدا کردند. در بررسی پراکندگی جغرافیایی مشروطه اعلام ظرفیت شهری جدی صورت گرفت. نیروهای اجتماعی شهری آزاد شدند و اعلام ظرفیت کردند؛ در تهران حداکثری بود، در تبریز لبریز شد، در اصفهان به لب رسید، در گیلان از کمر جامعه عبور کرد و در شهرهای کوچک هم گاه تازانو و گاه تامچ، ظرفیت شهری اعلام موجودیت کرد.

آرمان دارشدن جامعه ایران: اتفاق مهمی که افتاد این بود که برای اول بار جامعه‌ی ایران آرمان دار شد. قبلاً حیات موکولی بود اما اینجا حیات مستقل پیدا شد. حیات که عوض شود، پس پیشانی که عوض شود، مترتب بر آن اتفاقات زیادی می‌افتد و زنجیره‌ی چراغانی به چشم انداز راه می‌برد. ایران صاحب آرمان شد در حالی که در گذشته صاحب آرمان نبود.

تسری ایده در عرصه ملی: در دوران مشروطه ایده بسیار سریع تسری پیدا می‌کرد. می‌گویند که طاعون مسری ترین بیماری است و بسیار دوند است، همه‌ی دونده‌های سرعت را جامی گذارد، در مشروطه هم به همین ترتیب بود. اگر چه ایده‌ی مشروطه خواهی خیلی عمیق پیدانکر داماد سطح بسیار [وسعی] مسری شد و جغرافیای شهری ایران را در بر گرفت.

ظرفیت‌های بیرون از مرکز: اتفاق مهم دیگر به لحاظ اجتماعی این بود که ظرفیت‌های بیرون

از مرکز آزاد شد؛ تبریز، اصفهان و بعد هم گیلان. **زنان و جلوت نو:** اما شاید اتفاق مهمتر مسئله‌ی جلوت جدید زنان بود. در تنباکو زنان فرصت پیدا کردند از پستوها بیرون بیایند، برای اول بار مقابل دربار تجمع کنند، در شعار دادن‌ها مشارکت کنند، در راه پیمایی‌ها و تجمعات بخشی از عرصه را به خود اختصاص دهند، قلیان بشکنند و در تحریم تنباکو مشارکت کنند. اینجا اتفاق مهمتری افتاد که یکی در حوزه اندیشه بود و دیگری در عرصه ظهور تشکیلات.

اتفاق مهمی در [عرصه‌ی] اندیشه افتاد، روزنامه‌ها که منتشر شدند جامعه‌ی زنان در حد خودشان ارتباط نزدیک، صریح و مستقیم با جامعه‌ی مطبوعاتی برقرار کردند. خیلی مهم بود که در حد فاصل دهه‌ی ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۴، ۳۰ روزنامه‌نگار زن باروزنامه‌ها همکاری می‌کردند که عموماً به لحاظ وقت گذاری حرفه‌ای بودند. آرام آرام خبرنگاری و گزارش نویسی یاد گرفتند. اتفاق خیلی مهمی روی داد، در جامعه‌ی ایران که نهادهای آموزشی همه مردانه بودند، مکتب و روضه و حتی مدارس جدیداً مقدماً پسرانه بودند. مرحوم رشده در ابتدا جرأت نمی‌کرد مدارس دخترانه راه بیندازد، اشاره شد که تنها مرحوم عدالت روی مدارس دخترانه ایستاد. خیلی مهم است که ۳۰ روزنامه‌نگار زن خود تربیت بشوند، خودشان به روزنامه‌ها راه پیدا کردند و خودشان آموزش دیدند. اولین روزنامه‌ی زنان ۱۲۸۹ چاپ شد و جالب اینجاست که اولین مکاتبات با روزنامه‌ها را زنان نوشتند. نامه‌ی یک زن قزوینی به جبل‌المتین هست که پاراگراف قشنگی دارد: «زنان تظاهرات راه نینداختند که حششان پایمال شود. به تاریخ بنگرید و ملکه‌ی بریتانیا و کلوپاترا را ببینید». خیلی مهم است که در آن دوره این انگاره در ذهنش شکل گرفته باشد.

در مطبوعات دوره، روزنامه‌ای بود به نام **الحدید** که در ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۸ در تبریز چاپ می‌شد و بیش از همه به زنان می‌پرداخت. مسئول روزنامه مرحوم سیدحسین عدالت بود که چند وجه بود؛ دست به جیب بود، بنیانگذار، آستین بالا، روزنامه‌نگار، انجمن ساز، کار مخفی می‌کرد، کار علنی می‌کرد و... مرحوم عدالت در این سه سال به زنان می‌پرداخت و از زنان کارگرو خانه‌دار و روسپی دفاع می‌کرد. از مردان می‌خواست که به زنان جامعه‌ی ایران و حتی روسپی‌ها کمک کنند تا از وضع موجود به وضع مطلوب نقل مکان کنند. یک مردانگی

ویژه‌های از دیرباز در تبریزی‌ها بود، الان هم هست و مرحوم عدالت خیلی مردانه با جامعه‌ی زنان برخورد کرد و تحت فشار ویژه‌های هم بود، می‌توان گفت عبور از ادبیات زن ضعیفه با مساعی مرحوم عدالت در ایران صورت گرفت. مرحوم عدالت خیلی تلاش کرد که انگاره‌ی زن ضعیفه است پاک شود و به سهم خودش موفق بود. روزنامه‌ی حبل‌المتین که سیدجلال کاشانی سردبیرش بود سلسله مقالاتی در باب حقوق و آزادی‌های زنان نوشت که اول‌بار بود در ایران منتشر می‌شد. نهایتاً روزنامه‌ی قانون بود که ملکم‌خان ستون‌هایی از آن رابه بر خورد با مسئله‌ی زنان اختصاص داد.

این در حوزه‌ی مطبوعاتی بود، اما در حوزه‌ی تشکیلاتی هم اتفاقات مهمی افتاد. سه پڑوهشگر هستند که به‌طور نسبی روی مسئله زنان در مشروطه کار کرده‌اند. یکی اسماعیل رائیس، دیگری خانم لمپتن که کار حاشیه‌ای کرده است و دیگری خاطرات شوستر در زمانی که در ایران بود. هر سه متفق‌القول هستند که زنان در آستانه‌ی مشروطه و در دوران مشروطه انجمن‌های مخفی درست کردند. انجمن نسوان تشکیلات رسمی بود، جمعه‌ها وقت خانه را برای پیشبرد و حل مسئله‌ی زنان، به تجمع اختصاص می‌دادند. پیگیری بسیار جدی‌ای بود در صدسال پیش، بسیار جدی‌تر از پیگیری‌های امروزی که جنبش زنان بیشتر به شمار و درگیری می‌گذرد. آن موقع پای کارتر از زنان امروزی بودند و با همه‌ی محدودیت‌هایشان جمعه‌ها گرد می‌آمدند و حل مسئله می‌کردند.

اتفاقات تشکیلاتی جدی‌ای در مشروطه افتاد، یکی از اتفاقات این بود که در دوران تنباکو حرکت زنان توده‌وار بود، در حرکت مشروطه زنان آرام آرام صاحب‌چهره شدند. دو چهره در مشروطه برجسته شدند، یکی دختر مرحوم شیخ هادی نجم‌آبادی که صاحب‌تریون و آزادی‌خواه بود و یکی هم محترم اسکندری بود که ایشان بانوی و فعال انجمن نسوان وطن‌خواه بودند. مهم این بود که خانم اسکندری در مساعی تشکیلاتی و پیش‌برد مسائل زنان، منافع ملی را بر منافع زنان ترجیح می‌دانست. یک اتفاق مهم هم در اصفهان افتاد، خانم صدیقه دولت‌آبادی از ارکان اصلی تشکیل شرکت خواتین اصفهان بودند. این شرکت کارهای قشنگی کرد. یکی این که شرط کرده بود خانم‌هایی که عضو می‌شوند، دختر ۹ ساله شوهر ندهند. آن موقع رسم بود و با بلوغ هورمونی فکر می‌کردند،

دختر ۹ ساله می‌تواند زندگی اداره کند. شرط بعدی عدم استعمال لوازم آرایش بود که اگر هم استفاده می‌شود ایرانی باشد. وجه بعدی استعمال پارچه‌ی وطنی بود. خیلی مهم بود که جنبش خواتین اصفهان هم مثل خانم محترم اسکندری بیشتر روی منافع و مصالح ملی دست گذاشتند، تا مقدم‌تر بر روی مسائل زنان، ضمن این که مسائل زنان را هم پیش می‌بردند.

خانم نجم‌آبادی یک سخنرانی کرد که زنان روشنفکر مشروطه‌خواه ایرانی را تجهیز و تهییج کرد. ۳۰۰ خانم چادر به سر (آن موقع چادر بار و بند با هم بود) بودند که بخشی مجهز به تپانچه شدند، در دوران قبل از به‌توب بستن مجلس یعنی دورانی که حس می‌شد توب محمدعلی شاه پُرتر از مجلس است اینها با یک قرار تشکیلاتی از پیش به مجلس رفتند. وقتی بخشی از نمایندگان آمدند، اینها تپانچه کشیدند و خطاب گفتند اگر ما کمترین حسی کنیم که شما روی شرف و آزادی ملت مقابل استبداد محمدعلی شاه کوتاه می‌آیید. تهدید نکردند که شما را می‌کشیم. ما فرزندانمان و شوهران و خودمان را می‌کشیم. خیلی مهم بود که برای اول‌بار یک تظاهرات مخفی کارانه‌ی تشکیلاتی مسلحانه‌ی زنان در فضای مشروطه [رخ داد].

لذا «زن» در دو حوزه‌ی نشریاتی و تشکیلاتی گام‌های بسیار جدی‌تر از تنباکو را جلو آمد و [زنان] به سهم خودشان جبهه‌ای پیدا کردند.

حساس تر شدن بر صنف و منافع صنفی: اتفاق بعدی حساس تر شدن بر صنف و منافع طبقاتی بود. در تنباکو اصلاً جنبش بر اساس منافع صنفی به خطر افتاده‌ی تجار شکل گرفت. اینجا دیگر منافع صنفی جدی‌تر شد و دیگر فقط تجار نبودند که بر منافع صنفی شان پایبندی و پافشاری می‌کردند. کلیه‌ی صنوف و پیشه‌وران بر منافع صنفی شان خود آگاه شدند و سعی کردند که منزلگاه تشکیلاتی پیدا کنند.

حساس شدن بر طبقه: اتفاق بعدی حساس شدن بر طبقه بود. قبلاً در جامعه‌ی ایران طبقه مطرح نبود اما اینجا ادبیات طبقاتی و تمایز طبقاتی پیدا شد. وقتی که تجلیات و تمایز طبقاتی پیدا می‌شود و آگاهی و خود آگاهی بر آن ضمیمه می‌شود، عنصر طبقه حساس تر می‌شود.

تثبیت برخی جایگاه‌های طبقاتی: وجه بعد این است که طبقاتی مثل پیشه‌وران، اصناف و تجار به موقعیتی برجسته‌تر و محکم‌تر از دوران ماقبل مشروطه نائل آمدند.

به سوی مدنیت: وجه مهم بعد از این اتفاقات



جمعیت نسوان وطن‌خواه

صنفی - طبقاتی، حرکت جامعه‌ی ایران به سمت مدنیت بود. جامعه رفت که مدنی شود؛ انجمن‌ها درست شدند، قهوه‌خانه‌ها در مشروطه کاملاً جنبه‌ی مدنی پیدا کردند و محل نشر خبر و روزنامه‌خوانی و شب‌نامه پخش کردن، قرار گرفتند. مسجد، بازار، راسته، میدان و... پیش از گذشته مورد استفاده‌ی جامعه‌ی ایرانی قرار گرفتند. خود مشروطه هم با خودش باتوق‌هایی مدنی [مثل کتابخانه و قرائت‌خانه و نهادهایی از این دست را آورد. جامعه هم از منظر تشکیلاتی و هم از منظر محتوایی به سمت مدنی شدن پیش رفت.

سمت قوانین: وجه بعدی از نظر دستاوردهای اجتماعی سمت مترقی قوانین بود. مجلس اول طویل را بر انداخت، جایگاه صنفی خرده‌پاها، پیشه‌وران و کسبه‌ی جزء را مستحکم کرد. در بودجه‌ی اول ریخت و پاش‌های طبقه حاکم را به سمت پایان برد.

طیغ نوسودان: در مشروطه با تأسیس مدارس نسبتاً گسترده‌ای از نوسودان محصول آموزش جدید شکل گرفت.

دستاوردهای سیاسی

دستاوردهای سیاسی مشروطه در چهار سطح



صدیقه دولت آبادی

یک مردانگی ویژه‌ای از دیرباز در تبریزی‌ها بود، الان هم هست و مرحوم عدالت خیلی مردانه با جامعه‌ی زنان برخورد کرد و تحت فشار ویژه‌ای هم بود، می‌توان گفت عبور از ادبیات زن ضعیفه با مساعی مرحوم عدالت در ایران صورت گرفت

قابل بررسی است.

سیاسی تو شدن جامعه کل: سطح اول، این بود که جامعه سیاسی تراز گذشته، بسیار سیاسی تر از دوران تنباکو، شد. با توجه به این که تجربه‌ی تنباکو راهم حمل می‌کرد و عنصر مشروطیت هم بسیار مسری بود، جامعه با جدیت و به سرعت سیاسی شد.

افزایش ظرفیت درک سیاسی و خروج از سادگی سیاسی: درک سیاسی هم بیشتر از گذشته شد. جامعه‌ی ایران آرام آرام از سادگی دوران تنباکو به در آمد و پیچیده‌تر از گذشته شد.

ادامه‌ی سیاسی شدن عنصر صنفی: وجه بعدی این است که اگر در تنباکو استارت و آغاز سیاسی شدن عنصر صنفی را توسط بازار و تجار شاهد بودیم، در این دوره عنصر صنفی، سیاسی تر

از گذشته شد.

دستاوردهای تشکیلاتی

تفکیک قوا: اولین دستاورد تفکیک قوا بود. جامعه‌ی ایران در سطح قدرت، جامعه‌ی تفکیک شده‌ای نبود. یک قوه‌ی قهریه بود که همه‌ی قدرت را در خودش گنجانده بود، اما وقتی تفکیک قوا صورت گرفت، قوه‌ی مجریه و قضا برای اول بار شکل گرفت.

نو نهاد ملی؛ پارلمان: ایران صاحب نو نهاد ملی، پارلمان شد.

نو نهاد اجتماعی: نو نهاد های اجتماعی هم بروز و ظهور پیدا کردند؛ حزب، صنف، انجمن و مدرسه.

پدیده انجمن های ایالتی - ولایتی: اما شاید بتوان گفت در سطح مردمی مهم ترین اتفاق تشکیلاتی مشروطه، پدیده‌ی انجمن های ایالتی - ولایتی بود که اولین بستر کار مشارکتی در ایران را فراهم کرد. در طراحی، تصمیم گیری و اجرا مردم مستقل از نیروهای فکری و در جاهایی در پیوند با نیروهای فکری و بخشی از روحانیت کاربرد تشکیلاتی، روی صنف اش، زیست اش، محله اش، شهرش و... وارد شور و مشورت شد. اتفاق خیلی مهمی بود که این انجمن ها شکل گرفت و بستری شد، اول بار برای تحقق و تعیین مشارکت مردم در ایران.

قبل از این پدیده‌ی کار جمعی و کشاورزی جمعی در ایران وجود داشت، اما پدیده‌ی کار جمعی شهری و پیش برد امور مردم در محل و منطقه و شهر، تا آن موقع در ایران سابقه نداشت.

آغاز کار توضیحی: نکته مهم دیگر از منظر تشکیلاتی این بود که برای اول بار در ایران شاهد آغاز کار توضیحی بودیم. همه‌ی نیروها مجبور به کار توضیح شدند، ولو در سطح حداقلی.

استارت مثبتی بود که اول بار روشنفکران و بخشی از روحانیون نواندیش خودشان را ملزم دیدند که به طیف ها و طبقات اجتماعی بدون دانش دقیق روز و کلاسیک، مفاهیم را منتقل کنند، فرهنگ سازی کنند و کار توضیح کنند.

نقش مروجان: در ادامه‌ی این دستاوردها نقش مروجان در مشروطه مؤثرتر از تنباکو بود. سه مروج داشتیم که اگر آنها نبودند، مشروطه به این سرعت مسری نمی‌شد. شاخص ترین آنها سید جمال و اعظم بود توضیحی که روی بانک در ایران از سوی او داده شد، روشن ترین و روان ترین توضیح بود تا آنجا که همه زنان النگو و گوشواره و سینه ریزهای خود را باز کردند و تقدیم سید جمال کردند تا سرمایه‌ی اولیه بانک

در ایران متراکم بشود. ملک المتکلمین هم بود که کلامش نافذ تر از سید جمال بود و مرحوم سقط الاسلام که از عناصر چند وجهی تبریز بود؛ روشنفکر، مؤسس، مخفی کار و علنی کار، مدرسه ساز، آستین بالا و پول جمع کن، طیف دار و نوچه دار و....

بروز قابلیت های تشکیلاتی بیرون از مرکز: انجمن ملی تبریز اولین جریان تشکیلاتی دوران مشروطه بود که بسیار پیشرفته بود. قانون می‌گذراند و تصویب می‌کرد، کلاس آموزشی می‌گذاشت، کلاس نظامی می‌گذاشت... چند وجهی و کاملاً خودگردان بود. تشکیلات ستار و انجمن رشت به همین ترتیب، تشکیلات اصفهان که دو برادر، خصوصاً حاج آقا روح الله راه اندازی کرد و تشکیلات خیلی پیشرفته‌ای بود. قابلیت هایی که بیرون از مرکز بروز پیدا کرد بسیار پیشرفته تر از قابلیت های تشکیلاتی مرکز نشینان و پایتخت نشینان بود.

قابلیت تشکیلاتی انطباق با شرایط: در سه مرحله‌ی مشروطه؛ قبل از استبداد، مرحله‌ی استبداد صغیر و بعد از آن، متناسب با فضای دوران سه مدار تشکیلاتی ایجاد شد؛ تشکیلات مخفی - علنی قبل از استبداد صغیر، تشکیلات مخفی درون استبداد صغیر و تشکیلات علنی بعد از استبداد صغیر. بنیان هر کدام هم کاملاً از هم جدا بودند. یعنی در هر مرحله یک طیف از نیروهای دست اندر کار بنیانگذاری را بر عهده گرفتند، نه این که یک جریان این قابلیت را داشته باشد که در سه مرحله طور به طور شود و ساخت تشکیلاتی را متناسب با مرحله عوض کند. در این مفهوم، هر مرحله ساز و کار تشکیلاتی خاص خود را پیدا کرد و سازمان ده دوره شدند. بخشی از زنان راهم دیدیم که سازمان ده مسائل خودشان شدند.

مردان بحران: اما اتفاق تشکیلاتی دیگر این بود که مردان مدیریت بحران دوره را معرفی کرد. خیلی مهم بود که در مدیریت بحران دوران مشروطه، مردان بحران اغلب از توده بودند و کمتر از روشنفکران. در تبریز ستاری پیدا شد که مدیریت بحران کرد و با همه‌ی کم دانشی اش با یک عزم و غیرت تبریزی به عرصه آمد و مسئله و بحران را حل کرد. در اصفهان حل بحران را حاج آقا روح الله ایفا کرد. اینها شاخص ها هستند. مردان بحران، تفاوت ماهوی با مردان غیر از دوران تنگنا دارند؛ تک عنصر هستند، بار ویژه‌ی روحی و دوستان هست و با آمادگی روحی و روانی می‌توانند از فشار ویژه‌ی بحران عبور کنند.